

تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان در ساختار فتوت نامه‌ها با تکیه بر رویکرد نظام‌محور (نمونه موردی: فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه)

نسیم اشرفی¹

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به دنبال راهکارهای معرفتی در نظام معرفتی آثار معماری گذشتگان بود؛ زیرا به نظر می‌رسید معماری اسلامی در دوران معاصر با وجود کثرت مبانی نظری، در مقام اجرا عقیم مانده است. **روش:** پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تفسیری و با روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی اشتراوس و کوربین، مؤلفه‌های اصلی نظام فطری معمار مسلمان را در حوزه نظر و عمل جستجو کرده است. **یافته‌ها:** تحقق معماری اسلامی در گذشته در قالب نگرش نظام‌محور در مقام نظر و عمل همراه بوده و به عبارتی؛ نگرش نظام‌محور پلی برای رساندن نظر به عمل بوده است. **نتیجه‌گیری:** مؤلفه‌های توحید، ولایت، صدق و امن، ورودی نظام معرفتی در مقام نظر و مؤلفه‌های تواضع، احسان، سلوک و وفا، کارکرد نظام فطری در مقام عمل، عوامل اصلی تحقق معماری اسلامی یا تجلی نظر در عمل در این حوزه محسوب می‌شدند..

واژگان کلیدی: نظام، فطرت، معمار، فتوت‌نامه.

◇ دریافت مقاله: 97/12/01؛ تصویب نهایی: 98/07/23.

1. دکتری معماری، استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران/نشانی: شهر جدید پردیس فاز6 رسیده به پارک فناوری مجتمع 25 هکتاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس/نمابر: 021-76281669 /Email: ashrafi@pardisiu.ac.ir

الف) مقدمه

امروزه تحقق معماری اسلامی از مقولات مورد توجه معماران مسلمان است؛ اما با وجود مبانی نظری مختلف در این حوزه، هنوز معماری اسلامی در مقام عمل و اجرا عقیم مانده است. به نظر می‌رسد باید مقوله‌ای وجود داشته باشد که بتواند پلی بین مبانی نظری و اجرایی شدن آن باشد. لذا پژوهش حاضر به دنبال راهکارهای معرفتی در نمونه‌های معماری موفق گذشته است. تحقیقات کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که اصلی‌ترین عامل موفقیت آثار معماری گذشته، در رابطه بین معمار با فطرتش رقم می‌خورد که این رابطه به طور مکتوب در ساختار فتوت‌نامه‌ها آمده است. لذا غور در این ساختارها می‌تواند ما را به راهکارهای جدیدی برای تحقق معماری اسلامی هدایت کند. به عبارتی؛ تا زمانی که پل بین نظر و عمل - به درستی تبیین نشود، تحقق اثر اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود و این پل، نیازمند رویکردی سیستمی است.

نگرش نظام‌محور، محصول تفکر جدید غربی است و صرفاً به ترکیب اجزای عینی و در نهایت، زبانی و مفهومی تکیه دارد و شناخت‌های فطری انسان، در این حوزه مغفول مانده است؛ در حالی که نگرش نظام‌محور در مقوله فطرت انسانی در آثار گذشتگان اسلامی ایران مانند فتوت‌نامه‌ها قابل تبیین است (اشرفی، 1395: 106). بنابر این، آنچه از آن به عنوان یک کل، سیستم یا نظام تعبیر می‌شود، آگاهی فطری است. از این رو، برای نظام‌سازی همچون فتوت‌نامه‌ها بایستی اجزا و مؤلفه‌های فطری را در جورچین نظریه معماری قرار داد تا نظام‌سازی موضوعیت پیدا کند. گفتنی است همواره ارتباط معنادار بین مؤلفه‌های فطری وجود دارد؛ ولی این ارتباط تا کنون تبیین نشده است. بدین سبب پژوهش حاضر سعی کرده است با غور در مبانی نظری گذشتگان در حوزه معماری که همان فتوت‌نامه‌هاست، نگرش نظام فطری را به عنوان اصلی‌ترین سیستم وجودی انسان در جهت معرفت و خلق او معرفی کند و با طرح این موضوع، این مسئله حل می‌شود. تا زمانی که معماران آگاهی فطری خود را نظام‌محور نسازند، سیر از نظر به عمل صورت نخواهد گرفت. بر این اساس، پژوهش حاضر در تلاش است به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

1. علت عدم تحقق معماری اسلامی در جامعه معاصر چیست؟

2. آیا وجود نظام معناداری و فطری در معماری اسلامی گذشته، عامل افتراق آن با معماری معاصر است و اگر چنین است، مؤلفه‌های اصلی این نظام چیست؟

تا کنون فتوت‌نامه‌ای که دقیقاً برای صنف معماران نوشته شده باشد، یافت نشده است؛ اما برخی روشهای آموزش عملی معماری و بنایان را می‌توان تا حدودی در فتوت‌نامه بنایان یا فتوت‌نامه‌های مرتبط با حرفه معماری یافت (قدوسی‌فر و همکاران، 1391: 40). با نگاهی به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، ملاحظه می‌شود که پژوهش در موضوع مبانی نظری معماری اسلامی گذشته، تا حدودی نادر است. در پژوهش‌های انجام‌شده نیز (ر.ک: آزاد، 1384: 20؛ خاتم‌محمدی، 1370: 11) منبع دست‌اولی همچون افندی (1395) درباره

تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان ... 73

زندگی‌نامه معماران وجود دارد که اطلاعات جامع‌تری در خصوص نظام معرفتی معماری در دنیای اسلام در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. درباره نظام آموزشی مبتنی بر ادراک ذهن، گرچه بحث‌های گسترده‌ای (ر.ک: پاتریشتا، 1382: 21؛ تلخایی، 1387: 130) صورت گرفته است، اما پژوهشی که به دنبال تبیین رابطه مؤلفه‌های معرفتی آنها در قالب یک نظام باشد، وجود ندارد. کتبی همچون: «صناف در عصر عباسی» از صباح ابراهیم الشیخی و «رسایل جوانمردان» از مرتضی سراف حاکی از اصولی است که فقیان در قالب آن اصول به صنف و حرفه شغلی خود می‌پرداختند (فیزی، 1387: 129). از بین فتوت‌نامه اصنافان، رساله معماریه و فتوت‌نامه بنایان، دو فتوت‌نامه‌ای است که در حوزه معماری می‌توان آنها را بررسی کرد.

فتوت‌نامه بنایان برگرفته از میکروفیلمی از یکی از کتابخانه‌های ترکیه است که گرچه متن آن نقص و افتادگی دارد، اما با تطابق نسخه‌های خطی موجود، توسط خانم‌محمدی تدوین شده و تنها فتوت‌نامه شناخته شده در این حوزه است. این فتوت‌نامه در دو بخش، نخست اصول و کلیاتی به طور عمومی و دوم، همان اصول به صورت سؤال و جواب، تدوین شده است. مقالات بخش اول، 12 مورد و عموماً تأکید بر کسب فضایی چون: ایثار، تواضع، امن، صدق و وفا از جانب اهل این حرفه است و در بخش دوم، امور ارشادی این طایفه مطرح شده و سخن از پیران و مردانی است که انبیا(ع) در رأس و سپس امامان مذهب شیعه(ع) قرار دارند. (خانم‌محمدی، 1370: 3)

رساله معماریه، یکی از متون انگشت‌شمار معماری قدیم است که جعفر افندی در سال 1023 هجری آن را درباره استادش محمد بن عبدالمعین، سازنده مسجد سلطان احمد استانبول، به زبان ترکی تألیف کرده است و اطلاعات مهمی درباره نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن دارد (ویومی بیدندی، 1384: 13). با توجه به اینکه اصل این کتاب به زبان ترکی نگاشته شده، نگارنده از ترجمه آن برای پژوهش حاضر بهره برده است.

مطالعه فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه نشان می‌دهد نوعی نگرش نظام‌محور در ساختار معرفتی آنها وجود دارد که پژوهش حاضر قصد دارد آن را بررسی کند. لذا مطالعه نگرش نظام‌محور در این راستا مهم می‌نماید که تاکنون کسی در حوزه معرفت‌شناسی بدان نپرداخته است.

برتالانفی (2015) اولین کسی بود که نشان داد سیستم عبارت است از کلی که در حاصل جمع ساده اجزای تشکیل‌دهنده آن خلاصه نمی‌شود (اشرافی، 1395: 113). فرشاد نیز به نظر می‌رسد برای اولین بار در ایران این نوع از تفکر را به عنوان تفکری میان‌رشته‌ای که در تمام علوم کارساز است، معرفی کرد (فرشاد، 1362: 15). از آنجا که آگاهی با فطرت انسانها سروکار دارد و آگاهی انسانی با فطرت او تعریف می‌شود، می‌توان نگرش نظام‌محور یا سیستمی را در این حوزه نیز به کار گرفت. در نهایت می‌توان چنین پنداشت که فطرت، ویژگی ذاتی خاص انسان همراه با آگاهی مبتنی بر تفکر است (سامه، 1392: 48). بر این اساس، پژوهشی که

معارف فطری را به یک نظام تبدیل کرده و در نهایت، هدف و غایت آن را مشخص کند، وجود ندارد؛ اما با نگرشی اجمالی به روند خلق آثار معماری در گذشته و در قالب فتوت‌نامه، می‌توان این نگرش نظام‌محور را از دل مؤلفه‌های موجود در آن استخراج کرد.

ب) بیان مسئله

به نظر می‌رسد عدم تحقق معماری اسلامی در جامعه امروز، با وجود منابع کثیر در حوزه مبانی نظری در این حوزه، نشان از حلقه‌ای مفقوده بین نظر و عمل در تحقق یک اثر اسلامی دارد. مطالعه مبانی نظری معماری در گذشته، که در قالب فتوت‌نامه‌ها تدوین شده‌اند، نشان می‌دهد که رابطه معمار یا فطرتش که همان آگاهی فطری است، در قالب یک نگرش نظام‌محور که سلسله‌مراتبی را در بر دارد، عامل تحقق اثر اسلامی بوده است؛ در حالی که در معماری معاصر، این رابطه کم‌رنگ شده یا به صورت اتمیسم بدان پرداخته می‌شود. تا زمانی که مؤلفه‌های نظر و عمل در قالب یک نظام و در بستر آگاهی فطری مورد مذاقه قرار نگیرند، تحقق معنا در اثر برای ایجاد یک اثر اسلامی عقیم خواهد ماند. معمار مسلمان باید در مرحله نظر به اندیشه‌ای برسد که آن اندیشه در اثر معماری ظهور و تجلی یابد. به نظر می‌رسد زمانی یک اندیشه در یک اثر متجلی می‌شود که ذیل آگاهی فطری انسان تکوین یافته باشد. به عبارتی؛ هم در حوزه نظر (با صفات معرفتی) و هم در حوزه عمل (با صفات افعالی) عجین شده باشد که در غیر این صورت، شکافی بین اندیشه و اثر ایجاد می‌شود که ظهور معنا را در اثر معماری محقق نخواهد کرد. آگاهی فطری در قالب یک نظام در ساختار فتوت‌نامه‌ها وجود داشته است که برخی از مؤلفه‌های آن، حوزه نظر را پوشش داده و برخی دیگر حوزه عمل را پشتیبانی می‌کنند و مهم‌تر از همه، وجود سلسله‌مراتبی است که در ساختار نظام فطری معمار مسلمان، خودآگاهی فطری را به مرحله‌ای می‌رساند که معمار مسلمان به مقام محسن بودن می‌رسد که عین شخصیت او را شامل می‌شود. بر این اساس، سؤالات پژوهش چنین مطرح می‌شوند:

1. علت عدم تحقق معماری اسلامی یا عدم تحقق نظر در عمل در معماری معاصر چیست؟
2. آیا وجود آگاهی فطری در قالب یک نظام در معماری اسلامی گذشته، عامل افتراق آن با معماری معاصر است؟ و اگر چنین است، مؤلفه‌های اصلی این نظام در حوزه نظر و عمل چیست؟

ج) روش و ابزار

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی است که با مطالعه و تکیه بر میراث مکتوب فتوت‌نامه‌ها، با روش تفسیری و تحلیل محتوای این اسناد سعی می‌کند اصولی را که فتوت‌نامه‌ها بدان پایبند بودند، بر پایه سلسله‌مراتبی

تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان ... 75

تدوین کند که شکاف بین نظر و عمل را از این طریق برای رسیدن به یک خودآگاهی فطری به منظور تحقق معنا در اثر معماری، با رویکرد نظام‌محور به حداقل برساند.

مراحل ذیل برای رسیدن به اهداف پژوهش به عنوان روش‌شناسی تحقیق مورد مذاقه قرار گرفته است:

گردآوری داده‌ها: مرور و مطالعه اسناد فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه و مطالعه کتابخانه‌ای کتب و مقالاتی که در حوزه دو مقوله فتوت‌نامه‌ها و نگرش نظام‌محور مطرح است.

کدگذاری و بررسی داده‌ها: مقایسه مستمر به عنوان مهم‌ترین اصل در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق کدگذاری امکان‌پذیر است. بر این اساس، از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی اشتراوس و کوربین بهره گرفته شده است. در مرحله کدگذاری باز، ابتدا متون یا همان نمونه‌های موردی به دقت مرور و بازخوانی شد. در این مرحله، تمام مؤلفه‌های فطری معمار مسلمان به صورت کلی و موضوعی، بررسی و مفاهیم اصلی آنها مشخص شد و به عنوان اجزا، کارکرد یا ورودی نظام، به آنها کد داده شد. در مرحله دوم یا کدگذاری محوری، کدهای استخراج‌شده به عنوان اجزای نظام فطری بر اساس جاگیری در هر یک از حلقه‌های شناخت (حلقه صعودی) و عمل (حلقه نزولی) طبقه‌بندی شدند تا بتوان بین آنها رابطه معناداری را برای نیل به کارکرد نظام فطری معمار مسلمان استخراج کرد. در نهایت با روش کدگذاری انتخابی، جایگاه هر یک از مؤلفه‌ها در نظام فطری معمار بر اساس سلسله‌مراتب (محیط، اجزا، کارکرد) نظام‌مند شد.

تحلیل نهایی: در این پژوهش، محقق تا دستیابی به مرحله اشباع، به گردآوری داده‌ها پرداخته است. طی مراحل بیان‌شده از تحلیل داده‌ها، 10 مؤلفه در نظام فطری معمار مسلمان بررسی شده است که در شکل 1 معرفی شده‌اند.



شکل 1: مؤلفه‌های استخراج‌شده از فتوت‌نامه‌ها بر اساس کدگذاری مرحله باز (نگارنده)

(د) یافته‌ها

پژوهش حاضر با رویکرد نظام‌محور در بستر فطرت انسان به واکاوی مؤلفه‌های موجود در ساختار فطرت‌نامه‌ها پرداخته است. لذا شفاف‌سازی این نظام و جایگاه آن در فطرت انسان و تعریف برخی از واژگان، برای درک و استنباط صحیح از مقولاتی است که ضروری به نظر می‌رسد.

1. فطرت

کلمه فطرت قبل از قرآن سابقه‌ای ندارد و اولین بار قرآن این لغت را برای انسان به کار برده است. ماده فَطَرَ (ف.ط.ر) مکرر در قرآن آمده است.¹ مفهوم این کلمه، ابداع و خلق - و بلکه خلق به همان معنای ابداع - است. «ابداع» به یک معنا یعنی آفرینش بدون سابقه، در یک آیه آمده که درباره انسان و دین است (روم: 30). قرآن می‌گوید بشر یک فطرت دارد و آن، فطرت دینی است؛ دین هم اسلام و اسلام هم یک حقیقت است از آدم تا خاتم. قرآن به «ادیان» قائل نیست و به «دین» جمع بسته نشده است؛ چون دین فطرت است، راه است، حقیقتی در سرشت انسان است. انسانها چند گونه آفریده نشده‌اند و همه پیغمبران که آمده‌اند، تمام دستورهایشان بر اساس احیا و بیدار کردن و پرورش دادن حق فطری است و آنچه ایشان عرضه می‌دارند تقاضای همین فطرت انسانی است (مطهری، 1394: 25). در نهایت، می‌توان چنین پنداشت که «فطرت ویژگی ذاتی خاص انسان همراه با آگاهی مبتنی بر تفکر است» (سامه، 1392: 48).

2. رویکرد نظام‌محور

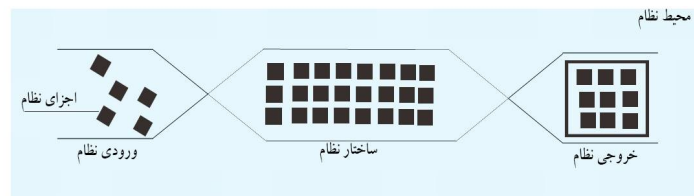
نظام مجموعه‌ای است مرکب از گروهی از اشیا و روابط بین آنها که توسط ویژگی‌هایی معین با هم وابسته می‌شوند. این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند و برای به انجام رساندن کار یا دست یافتن به هدف خاصی سازمان یافته‌اند (بیشون ودوروسنی، 1370: 40) که در تفکر دینی و اسلامی، با مفهوم توحیدی تطابق دارد (فرشاد، 1362: 22). اندیشه دینی و فطری در اکثر ادیان، همان کلی است که به اجزا معنا می‌دهد و این همان تفکر سیستمی یا نظام‌محور است. (اشرافی، 1395: 22)

رویکرد نظام‌محور مؤلفه‌هایی را برمی‌تابد که بدون آنها یا با ایجاد خلل در آنها، نظام به هدف خود نخواهد رسید. نظامها از لحاظ نوع اجزا به سه گروه فیزیکی، ذهنی و فطری تقسیم می‌شوند (همان: 102) که نظامهای فطری، در حوزه دینی و علوم انسانی قابل بررسی‌اند و البته در نگرش غربی جایگاهی ندارند (همان: 104) و تمرکز پژوهش حاضر بر این نوع نظام خواهد بود. محیط، اجزا و کارکرد نظام، سه مؤلفه اصلی در زنده ماندن نظام محسوب می‌شوند. تمام نظامها در یک محیط تعریف می‌شوند. محیط در نظام فطری، همان

1. فَطَرَهُنَّ، فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ مُنْفَطِرٌ بِهِ.

77 \diamond تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان ...

فطرت انسان است. حال اگر محیط یا همان فطرت، سلیم نباشد، اجزای درون آن کارکرد درستی نخواهند داشت و شناخت معطوف به باطل، جایگزین شناخت معطوف به حق و به تبع آن، اراده نیز معطوف به باطل خواهد شد. اما آنچه در محیط یک سیستم به فعالیت می‌پردازند، اجزای نظام‌اند. لذا اجزای هر نظامی تلاش می‌کنند تا در تعامل با محیط، کارکرد درستی را ارائه دهند. کارکرد به عنوان مؤلفه سوم در نظام، زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که بین اجزای سیستم یا نظام، رابطه معناداری وجود داشته باشد (بیات،¹ 2016: 53). به عبارتی؛ اگر اجزای سیستم با هم رابطه معناداری نداشته باشند، ساختار تشکیل نشده و سیستم دچار آنتروپی² می‌شود. (شکل 2)



شکل 2: مدل چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس رویکرد نظام‌محور

اجزا در سیستم فطری انسان، همان مؤلفه‌های شناختی انسان‌اند؛ بنابراین، رویکرد نظام‌محور فطری انسان، همان نظام معرفتی و سپس رفتاری اوست که در بستر فطرتش رقم می‌خورد. معقولاتی که انسان با شناخت کسب می‌کند چنانچه در محیط فطرتش با هم رابطه معنادار داشته باشند و با فطرت انسانی به تعامل برسند، می‌توانند در کارکرد نظام که همان رفتار یا اراده یا عمل است، انسان را به مقام معنای حقیقی برسانند؛ یعنی بهترین و زیباترین کارکرد یک نظام فطری، رابطه معناداری است که در معقولات شناختی انسان با فطرتش قابل تبیین است و سبب می‌شود انسان به خود آگاهی فطری دست یابد. (شکل 3)

1. Piaget

2. آنتروپی به معنای زوال و نابودی است. کالبد معماری زمانی دچار آنتروپی می‌شود که با محیط بیرون به تعادل و تعامل نرسد یا اجزا نتوانند نظم درونی را برقرار کنند (فرشاد، 1362: 30). اما در تطبیق این فرایند با سیستم‌های فطری، آنتروپی سیستم با گرایشات نفسانی به سوی باطل محقق خواهد شد؛ تا جایی که خداوند به واسطه این گرایش به آنتروپی، بر محیط نفس انسان که فطرت و قلب اوست، مهر می‌نهد؛ و مهم آن است که انسان مراقب باشد اگر گناهی از او سر می‌زند، در فاصله نزدیک آن را با آب توبه و عمل صالح بشوید، مبادا به صورت رنگ ثابتی برای فطرت درآید و بر آن مهر نهد. در حدیثی از امام باقر(ع) بیان شده است: «هیچ بنده مؤمنی نیست مگر اینکه در قلب او یک نقطه (وسیع) سفید و درخشنده‌ای است. هنگامی که گناهی از او سرزند، در میان آن منطقه سفید، نقطه سیاهی پیدا می‌شود، اگر توبه کند آن سیاهی برطرف می‌شود و اگر به گناهان ادامه دهد، بر سیاهی افزوده می‌شود تا تمام سفیدی را بپوشاند و هنگامی که سفیدی پوشانده شد، دیگر صاحب چنین دلی هرگز به خیر و سعادت باز نمی‌گردد» (کلینی رازی، 1394: 273)



شکل 3: رویکرد نظام‌محور در آگاهی فطری انسان (نگارنده)

با بررسی فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه، 10 مؤلفه تأثیرگذار در مقوله شناخت و خلق در حوزه فطرت انسانی استخراج شد که به توضیح هر یک پرداخته می‌شود تا بتوان جایگاه آنها را در مدل نظام‌محور پیدا کرد.

3. مؤلفه‌های فطری در حوزه شناخت و عمل در فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه

یک) حیا، مؤلفه پایه فطری در فتوت‌نامه

با توجه به کدگذاری‌های انجام‌شده در خصوص مؤلفه‌های استخراج‌شده از فتوت‌نامه‌ها که در بخش روش تحقیق بدان اشاره شد، رابطه سلسله‌مراتبی مؤلفه‌ها بر اساس تفسیر متون و بهره‌گیری از مقالات دیگر در این حوزه مشخص شده است. لذا با توجه به تفاسیر صورت‌گرفته از متون، انسان زمانی می‌تواند وارد جرگه فیتیان شود که نفس او تربیت یابد. به عبارتی؛ «پدیده اهلیت یافتن معمار مطرح می‌شود؛ به این معنی که در اولین قدمها می‌بایست در توقف در عادات بد، خودبینی، خودپسندی‌ها و غرور و دنیاطلبی پرهیز نموده و وجود خویش را آماده برای درک و دریافت رموز نماید» (خانمحمدی، 1370: 15). در فتوت‌نامه بنایان، حیا مؤلفه پایه در نفس معرفی شده است. این رساله در صفت حیا اهتمام ویژه‌ای دارد و آن را پرکاربردترین صفت اخلاقی در معماری و بنایی می‌داند. «... اگر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر به کار آید، بگو حیا...» (همان). حبیب‌الله بنا نیز در رساله گلکاری، حیا را مؤلفه پایه در نظر گرفته است. بنابر این، حیا به عنوان جوهر نفس، شرط ورود به سیستم معرفتی و خلق فطری در معمار مسلمان آن زمان محسوب می‌شد. (شکل 4)

دو) مؤلفه توحید

افندی در نعت استاد خود می‌نویسد: «با خود اندیشیدم که نزدیک حضرت آقا روم و نظر کنم که اکنون در چه کار است ... سجاده‌اش پیش چشمه جامعه سبچه‌ای به دست راست داشت و چوب‌خطی به دست چپ. با دست راست بی‌وقفه سبچه می‌چرخاند و با هر دانه ذکر، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، سبحان الله و الحمد لله و لاله الا الله و الله اکبر، بر زبان می‌راند...» (افندی، 1395: 147). اولین اصلی که در چارچوب رساله معماریه در حوزه معرفتی بدان اشاره شده، اصل توحید است. نگرش توحیدی اولین مؤلفه نظام فطری در فتوت‌نامه‌ها محسوب می‌شد و همین نگرش سیستمی سایر مؤلفه‌ها را در بر دارد. چنانچه مطرح شد: «نگرش سیستمی در تاریخ معرفت مشرب کلی‌نگری به نامهایی چون: تفکر ارگانیکی و کل‌گرایی یا مکتب توحیدی نامیده شده است.» (فرشاد، 1362: 22)

سه) مؤلفه اقتدا به پیشوایان (ولایت)

بر این اساس اقتدا به پیشوایان در معماری و شهرسازی از اصول بعدی در فتوت‌نامه بنایان محسوب می‌شد. اقتدا به پیامبران گذشته، الگویی را برای آنها ترسیم می‌کرد که در حوزه معرفتی در راستای همان الگو حرکت کنند. پیشینیان بر این اعتقاد بودند که تمامی پیامبران گذشته و امامان، هر کدام صاحب حرفه‌ای بوده‌اند. در فتوت‌نامه بنایان اشاره شده است: «اگر پرسند اول بنا که بود، بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود علیه‌السلام که خانه کعبه بنا کرد... اگر پرسند بزرگ‌ترین بنایان که بود، بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود و آله که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست، حضرتش با دیگر مؤمنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند... اگر پرسند کریم‌ترین بنایان که بود، بگو علی علیه‌السلام بود... که در بنای مسجد مدینه، پیامبر را معاضدت کرد؛ و او سر جوانمردان است و بزرگ‌ترین ایشان در مقام...» (خانمحمدی، 1370: 14)

افندی در رساله معماریه می‌نویسد: «استاد هندسه، استادان صدفکار را گفت: پیر استادان سنگ‌کار و آنان که مساجد شریفه و جوامع لطیفه سازند، کیست؟ خود بگویم: پیرایشان شیث پیغامبر، پور آدم صفی‌الله است که درود خدای ایشان باد. پیر درودگران حضرت نوح پیغامبر است؛ ... نخست آن که طریق علم حساب و جذر علم حساب نوشت، حضرت ادريس علیه‌السلام بوده که علم حساب و علم نجوم تصنیف و تألیف کرد» (افندی، 1389: 65 و 67). اقتدا به ولی، ریشه در مروت دارد و آن از لوازم فطرت است (بنا، 1395: 13). بنابر این، در نظام فطری معمار مسلمان بعد از نگرش توحیدی، اقتدا به ولی نیز در فطرت انسانها وجود دارد. امام هادی (ع) در فرازهای مختلف از زیارت جامعه کبیره، بر فطری بودن ولایت ائمه (ع) تصریح فرموده‌اند: «أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ»؛ گواهی می‌دهم که این مقام (ولایت و امامت) برای شما ائمه (ع) از پیش (پیش از آفرینش موجودات و انسان) سابقه داشته و در آینده (تا ابد) هم جاری و باقی خواهد بود. لازمه فطری بودن ولایت، ریشه داشتن جعل و اعتبار آن در فطرت است (طباطبایی، 1388، ج 1: 156). بنابر این، ادراک ولایت‌مداری، مؤلفه‌ای است که در حلقه معرفت نفس قرار می‌گیرد.

با کاوش در فتوت‌نامه بنایان، این نکته قابل استخراج است که اهل فتوت بعد از آنکه دو مقوله توحید و ولایت در فطرت آنان بیدار شد، باید هشت صفت کمالی داشته باشند که از میان آنها، چهار صفت ویژه حرفه معماری است که به ترتیب عبارتند از: تواضع، امن، صدق و وفا (خانمحمدی، 1370: 12). «... نخستین، تواضع است که خود اول مرتبه است... دوم، صفت امن است... سیم، صفت صدق است که آن مبنی و اساس حکمت است و اول درجات آن ... چهارم و از اشرف خصائص این طایفه، وفاست و صدق عهد و وعد...» (همان: 13-12). بنابر این، طبق ترتیبی که در رساله بدان اشاره شده است، به توضیح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

چهار) مؤلفه تواضع

با توجه به متن پیش گفته، تواضع بعد از دو مرتبه قبلی (نگرش توحیدی و اقتدا به ولی)، اولین مرتبه‌ای است که نفس معمار مسلمان باید متصف بدان باشد و تواضع از جنود عقل و از لوازم فطرت است (امام خمینی، 1393: 353). اما جایگاهی که برای تواضع مترتب است، در حلقه معرفت نیست؛ بلکه در حلقه عمل و آفرینش

است؛ زیرا تواضع معرفت نیست، بلکه عمل است. بدین سبب، اولین مرتبه‌ای است که در قوس نزولی نظام فطری انسان قرار می‌گیرد.

پنج) مؤلفه امن

امن همان معرفت یقینی است که قلب با رسیدن به آن آرامش می‌یابد. لسان العرب یک معنا می‌افزاید و آن اینکه، سکینه معنای طمأنینه و امن می‌دهد (ابن منظور، 1414، ج 13: 211). امن همان طمأنینه است و در نتیجه، معرفت یقینی است و در حلقه معرفتی نظام فطری معمار مسلمان بعد از اقتدا به پیشوایان قرار دارد و با عمل تواضع و دوری از تکبر به دست می‌آید.

شش) مؤلفه صدق

مؤلفه بعد، صدق است که با واژه حکمت قرابت دارد. حکمت مقوله معرفتی است که اکتسابی نیست، بلکه اعطایی است. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای برای جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌آمرد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است» (انفال: 8). قدرت فرقان همان حکمت است. صدق یا حکمت بالاترین نوع معرفت است که بعد از مؤلفه‌های قبلی حاصل می‌آید و در نظام فطری معمار مسلمان در حلقه معرفت شاه‌نشین می‌شود.

هفت) مؤلفه وفا

وفا همان رضای خدا و آسایش خلق خداست. در «فتوت‌نامه سلطانی» تألیف ملاحسین واعظ کاشفی آمده است: «موضوع علم فتوت، انسان باشد؛ از آن جهت که مباشر و مرتکب افعال جمیله و صفات حمیده گردد و تارک و رادع اعمال قبیحه و اخلاقی رذیله شود به اراده... فتوت را سه مرتبه است: اول، سخا که هرچه دارد از هیچ‌کس وانداورد؛ دوم، صفا که سینه را از کبر و کینه پاک و پاکیزه سازد و مرتبه آخر، وفاست که هم با خلق نگه دارد و هم با خدا... علم فتوت، علمی شریف است و شعبه‌ای است از علم تصوف و توحید» (کاشفی، 1395: 9). وفا در این متن نیز به مرتبه آخر از فتوت اشاره دارد که رویکردی عملی است نه معرفتی. بدین سبب آن را به عنوان کارکرد سیستم فطری انسان در خلق اثر معماری می‌توان تبیین کرد. اثری در فتوت‌نامه بنایان به نتیجه می‌رسد که در آن رضای خدا در نظر گرفته شود و هدف اهل هنر و صنعت باید رضایت خدا و آسایش خلق خدا باشد. درباره فطری بودن این اصل هم به این نکته باید توجه داشت که بر اساس دیدگاه قرآن، عهد ما با خدا عهدی فطری و ازلی است. (س: 61-60)

هشت) مؤلفه ذکر

در فتوت‌نامه بنایان آمده است: «اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی ... و اگر پرسند چون خشت دو نیمه کنی، چه خوانی؛ بگویی: فتبارک الله احسن الخالقین و الحمد لله رب العالمین...» (خانمحمدی، 1370: 15). استادی از معماران سنتی کاشان می‌گوید: «پدر من پوش گنبد را با ذکر صلوات شروع و هنگام کار مدیحه‌سرایی می‌کرد تا به اتمام برسد» (اسلامی و ماندگاری، 1384: 98). بنابر این، ذکر،

تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان ... 81

یادآوری موضوعی است که قبلاً انسان به معرفت آن دست یافته است (امام خمینی، 1391: 500). ذکر، بالاترین مرتبه معرفت است. حلقه‌های فیتان همواره در دستورالعملهای خود، تذکار را در تمامی مراحل کار به کار می‌گیرند. ذکر، یکی از مؤلفه‌های فطری انسان است که بعد از معرفت الهی حاصل می‌شود.

نه) مؤلفه احسان

طریق وصول به هدف فتوت که رضای خدا بود، احسان است (بنا، 1395: 52). طرق وصول به اهداف فتوت، ایثار و احسان است: «بدان که اصل فتوت، ایثار است و این طریق جز با ایثار (احسان) راست نیاید» (خانمحمدی، 1370: 12). واژه «احسان» از ریشه «حُسن» به معنای زیبایی و نیکویی است. وقتی کاری بدون نقص و به درستی انجام شود، حسن و زیبایی تجلی پیدا می‌کند و این زیبایی با جاودانگی همراه خواهد بود.

ده) مؤلفه سلوک

تمام آنچه در نظام فطری معمار مسلمان مطرح شد، همگی بستری را فراهم می‌کنند تا انسان به سلوک معنوی دست یابد. در منظر پیشه‌گران، کار هدف غایی نبوده، بلکه وسیله‌ای برای پرورش و رشد بعد شخصی و اجتماعی است. هنرمندان با پیشه خویش، سلوک معنوی می‌کردند. از این نظر، اصولاً برای ورود به طریقت، موظف می‌شدند که هنر یا صنعتی را اختیار کنند. در نتیجه، سلوک معنوی یکی دیگر از اهداف و روشهای فیتان برای رسیدن به رضای خدا (وفا) بوده است که نتیجه معرفت و خلاقیت آنها بوده است. سلوک معنوی همان مقوله گرایش به پرستش را در فطرت انسان برمی‌تابد و در نتیجه، این اصل نیز مانند اصول دیگر در نظام فطری انسان قرار دارد. مؤلفه سلوک، مؤلفه‌ای است که در سیر نزولی قرار می‌گیرد، اما خود معمار را بر نمی‌تابد، بلکه حالت و فعلی است که در مخاطب اثر تجلی می‌شود.

با توجه به نکاتی که در ارتباط با مؤلفه‌های معرفتی و عملی استخراجی از فتوت‌نامه بنایان و رساله معماریه بیان شد؛ اکنون بایستی مدل سیستمی این اجزا بررسی شود. (جدول 1)

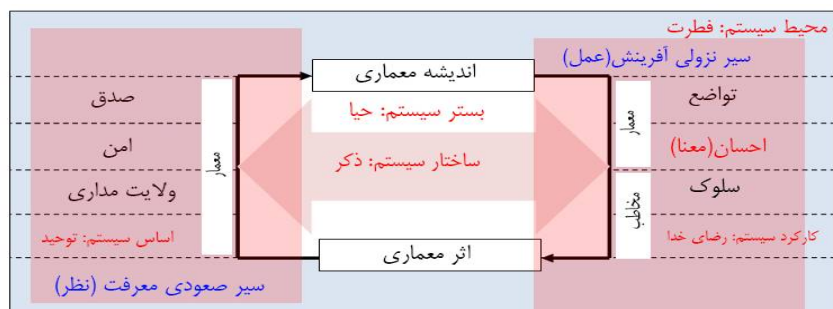
جدول 1: معرفی نظام فطری معمار مسلمان گذشته (نگارنده)

نام نظام (سیستم)	نظام فطری
محیط نظام	فطرت
اجزای نظام	توحید، ولایت، امن، صدق، تواضع، احسان، سلوک، وفا
ساختار نظام	ذکر
بستر نظام	حیا
کارکرد نظام	رضایت خدا و اسایش خلق (وفا)
آنتروپی سیستم	عدم ذکر

حیا به عنوان بستری که سیستم فطری معمار در آن به شناخت می‌رسد، قابل تبیین است. به عبارتی؛ حیا نه در شناخت معمار مسلمان و نه در مرحله آفرینش او جای دارد، بلکه بستری است که هر دو سیر صعودی

شناخت و نزولی آفرینش را شامل می‌شود. بنابر این، حیا بستری است که مؤلفه‌های فطری روی این بستر شکل می‌گیرند. (شکل 4 و جدول 2)

اما مؤلفه توحیدی به عنوان اولین ورودی سیستم فطری در نفس معمار مسلمان، باید بتواند بین سایر مؤلفه‌ها وحدت ایجاد کند که همین نگرش، زمینه اثبات نگرش سیستمی را فراهم می‌سازد. معماری که در ورودی نظام فطری خود توحید را برنماید، هرگز نخواهد توانست کارکردی در جهت حقیقت‌محوری ارائه دهد و با معنا مواجه شود. (شکل 4 و جدول 2)



شکل 4: نظام فطری معمار مسلمان در خلق اثر معماری (نگارنده)

ولایت‌مداری به عنوان دومین مؤلفه سیستم فطری، بر اساس معرفت حقیقت حاصل می‌آید و در حلقه‌ای می‌نشیند که سایر مؤلفه‌های شناخت را هدایت کند. ولایت‌مداری بر پایه مقوله شناختی استوار است. بنابر این، در این حلقه قرار می‌گیرد. معماری شیعه متفاوت از معماری سایر مسلمانان است و این ناشی از همین مؤلفه در سیستم فطری معمار مسلمان است.

امن یا همان طمأنینه که با سکینه قرابت داشت و معرفت یقینی محسوب می‌شد، بعد از ولایت‌مداری ظاهر می‌شود و زمینه را برای دریافت صدق به عنوان معرفت حکمی و بدون لغزش توسط خداوند، در حلقه معرفت فراهم می‌سازد. (شکل 4 و جدول 2)

صدق یا همان حکمت، نوعی معرفت است که انسان بعد از سیر از توحید، ولایت و بعد از آنکه قلبش آرام شد، خداوند آن را بر قلبش نازل می‌کند. صدق، معرفتی است که از بالا و بعد از فراهم کردن زمینه مناسب نفس، خداوند آن را به واسطه علم حضوری در قلب معمار مسلمان قرار می‌دهد. لذا در بالاترین مرتبه معرفتی انسان، در حلقه شناختش قرار می‌گیرد و جایی است که معمار می‌تواند حق را از باطل جدا سازد و اندیشه‌اش را شکل دهد و وارد عمل شود. (شکل 4 و جدول 2)

تواضع، مؤلفه دیگری در نظام فطری معمار مسلمان است که در حلقه عمل و سیر نزولی خود را نشان می‌دهد. به عبارتی؛ وقتی معمار چهار مقوله قبلی را در حوزه شناختی برتایید و از مرحله صدق عبور کرد، حال در حوزه عمل متواضع می‌شود. بنابر این، وقتی معمار مسلمان مقوله‌های شناختی خود را در ارتباط با فطرتش برتایید، حال باید در مقام اراده، آنها را متجلی سازد. (شکل 4 و جدول 2)

تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان ... 83

مؤلفه	جایگاه آن در نظام فطری	نوع فطرت	مصادیق معماری
حیا	بستر نظام	معمار	فضاهای اندرونی، مرکزگرایی، توجه به حریم، عدم اشرافیت، سادگی و پرهیز از تزئینات خودنما، عدم تکیه بر شفافیت بیش از اندازه، اجتناب از نماهای نمایش گونه و ...
توحید	جزء نظام (در حلقه شناخت)	معمار	ایجاد وحدت مادی و کیفی در بناهای مختلف با عملکردهای متفاوت، تجلی یک حقیقت در صورت شهر و معماری مانند نماد چلیپا در کلیه ساختارهای معماری، ایجاد هماهنگی بین فضاهای متفرق و متکثر شهری.
ولایت‌مداری		معمار	وجود آرایه‌هایی در جهت مدح ائمه در مساجد.
امن		معمار	نبود فضاهای مستعد ارتکاب جرم در شهر و وجود فضاهای بن‌بست در گذشته و تأمین امنیت بصری و شنوایی در فضای شهری و معماری که با افقی‌گرایی معماری قرابت دارد؛ تأمین امنیت فرهنگی شهر با تکیه بر نمادهای بومی مانند مساجد و ایجاد حس آرامش با نورگیری مناسب فضاهای عمومی و خانه‌ها.
صدق		معمار	عدم تمرکز بر عناصر مادی در شهر، فراهم آوردن دسترسی‌های مناسب برای فضاهای مقدس، تقویت قوه بصری شهروندان با تصویرهای متذکر بر معنا
تواضع	جزء نظام (در حلقه خلق)	معمار	افقی‌گرایی در معماری، شاخص و بلند بودن مساجد نسبت به سایر بناها
احسان		معمار	قرار گرفتن هر جزء از شهر یا معماری در جای خود، تنظیم ارتباطات جمعی، ایجاد تعادل بین طبیعت و بنا، پرهیز از تزئینات لغو، ایجاد تعادل خط آسمان بنا، طراحی کیفیت هر فضا بر اساس عملکرد خود آن، ایجاد تعادل در استفاده از فضاهای طبیعت‌محور
سلوک		مخاطب	افزایش معرفت و نیل به کمال با قرارگیری در فضاهای معماری
وفا	کارکرد نظام (در حلقه خلق)	مخاطب و خداوند	ایجاد حس ارتباط با فضاهای عبادی، القای جهت قبله با جهت‌گیری بناها، انتخاب فرمهای ساده، ساخت ورودی بناهای مذهبی در جهت قبله (مانند بناهای اطراف نقش جهان)، ایجاد سلسله‌مراتب فضایی از فضای بیرون به درون مساجد با القای حس حضور، خلق فضاهای مکث شهری در فضاهای عبادی برای آرامش و تفکر شهروندان
ذکر	ساختار نظام	معمار	تذکردهی به واسطه آیات الهی در مساجد، تأکید بر فضاهای مقدس شهری با نمادهای هویت‌دار، بهره‌گیری از فرمهای نمادین و واجد معنا در معماری و فضاهای شهری، تذکر به شهروندان با بهره‌گیری از فضاهای مکث و میلمان شهری، حضور فضاهای مذهبی در تمام بناهای عمومی.

جدول 2: مصادیق معماری مؤلفه‌های فطری معمار مسلمان در گذشته (نگارنده)

احسان، تجلی تمام معارفی است که معمار مسلمان در حلقه شناخت به آنها رسیده است و در نظام فطری معمار مسلمان، در حلقه آفرینش جای می‌گیرد و به عنوان صفتی که بعد از خلق اثر در آن متجلی می‌شود، قابل بررسی خواهد بود. نهایت سیستم فطری معمار مسلمان، مقام احسان است و این همان معنایی است که در اثر متجلی می‌شود. (شکل 4 و جدول 2)

مؤلفه سلوک در حلقه نزولی قرار دارد، اما در خلق اثر نقش ندارد؛ بلکه فعلی است که بعد از خلق اثر و تجلی حسن و زیبایی و معنا در مخاطب اثر ایجاد می‌شود. مخاطب با غور در اثر به معرفتی می‌رسد که او

را به کمال می‌رساند. بعد از مقام سلوک است که رضای خداوند و آسایش خلق به عنوان مؤلفه وفا رقم می‌خورد و این مؤلفه، کارکرد و نتیجه نظام فطری معمار مسلمان است. (شکل 4 و جدول 2)

اما مؤلفه ذکر در نظام فطری معمار مسلمان، همان معنایی است که سایر مؤلفه‌ها در ارتباط با هم به کارکرد رضای خدا(وفا) می‌رسند. اگر ذکر در ساختار فعال نظام معرفتی و عملی وجود نداشته باشد، نظام فطری انسان دچار آنتروپی شده، در انتقال معانی به کالبد دچار بحران و نسیان می‌شود. ذکر همان اصلی است که اگر معمار مسلمان به معرفت یقینی رسیده باشد، جایی که دچار خطا می‌شود به واسطه تذکر و ذکر، حق را از باطل تشخیص داده و خطای خود را جبران می‌کند. ذکر، محرک نظام فطری انسان از حلقه معرفتی به سمت حلقه عملی یا آفرینش است تا حقیقت و معنا یا همان مقام حسن در اثر متجلی شود. (شکل 4 و جدول 2)

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کوشش شد با بررسی مبانی نظری معماری اسلامی در گذشته، که در فتوت‌نامه و رساله معماریه تدوین شده است، علت عدم تحقق نظر در عمل برای ایجاد معماری اسلامی در فضای شهری معاصر مورد مذاقه قرار گیرد. بر اساس مطالعات انجام گرفته در این دو ساختار، محرز شد که امروزه رابطه معمار مسلمان با فطرتش در حلقه نظر و عمل مغفول مانده است؛ در حالی که معنا در اثر معماری، صرفاً با این مقوله قابل تبیین است. از طرفی، نگاه اتمیسم و خرد به روابط بین اثر، مخاطب و معمار، ضعف عدم تحقق معماری اسلامی را دوچندان می‌کند؛ زیرا نگرش سیستمی یا نظام‌محور می‌تواند در انسجام‌بخشی حرکت از نظر به سوی عمل، کارساز باشد. امروزه در رویکرد نظام‌محور صرفاً بعد کالبدی و ذهنی موضوعیت دارد که در این راستا پژوهش حاضر با تکیه بر مبانی شناختی در ساختار فتوت‌نامه‌ها، نظام فطری را پل بین نظر و عمل در معماری معرفی کرده است. به عبارتی؛ معمار مسلمان گذشته توانسته بود در محیط فطرت و در دو سیر شناخت و خلق(عمل) که در نظام فطری او قابل تبیین است، مؤلفه‌های «توحید»، «ولایت‌مداری»، «امن» و «صدق» را در حلقه شناخت و مؤلفه‌های «تواضع»، «احسان»، «سلوک» و «وفا» را در حلقه خلق(عمل) با رابطه معنادار «ذکر» بین این مؤلفه‌ها و در بستر «حیا» در نظام به کارکردی برساند که در آن، «رضایت الهی و آسایش خلق» مترتب باشد و مقام «حسان» یا همان حسن اثر در سیر توحید تا تواضع رقم می‌خورد؛ اما مؤلفه «سلوک» و «وفا» با فطرت مخاطب تعریف می‌شود که اگر این سیر به درستی تبیین شود، در نهایت سلوک مخاطب به واسطه تأثیرپذیری از فضاهای معماری، رضایت الهی و آسایش خود مخاطب را رقم می‌زند که به عنوان کارکرد نظام فطری معمار مسلمان تعریف می‌شود. لذا چنانچه در معماری معاصر، فطرت معمار در جهت چنین مؤلفه‌هایی تربیت نشود و سیر از «توحید» تا «تواضع» را برتابد،

تبیین رابطه بین نظر و عمل در سیر معرفتی فطرت معمار مسلمان ... 85

معنا در اثر او تجلی نخواهد یافت. صرفاً نگرش اصول اسلامی در اسلامی سازی معماری کفایت نمی کند، بلکه معماری اسلامی نیاز به فطرتی دارد که بتواند در یک نظام، شناختهای خود را سازماندهی کند (شکل 5). برای این اساس و برای رسیدن به این مهم، راهکارهای ذیل در ارتباط با پیوند نظر و عمل و توجه به فطرت معمار پیشنهاد می شود:

- اسلامی سازی معرفت شناسی معماری در دانشگاهها؛
- تغییر سرفصل آموزش معماری با گنجانیدن دروسی همچون: رابطه دین و معماری، اخلاق در معماری و معرفت شناسی اسلامی در معماری؛
- همکاری تنگاتنگ حوزه علمی با دانشگاهها به ویژه در رشته معماری؛
- گزینش اساتید متعهد به اخلاق حرفه ای؛
- حمایت و سرمایه گذاری برای ایجاد مدارس تخصصی معماری اسلامی؛
- تبیین قاعده نفی سبیل در معماری و جلوگیری از ورود اندیشه های غیر خودی و آسیب زننده بر این حوزه؛
- وجود اسناد بالادستی برای تحقق معماری اسلامی با تکیه بر معرفت شناسی اسلامی؛
- گفتمان سازی اخلاق معماری؛
- الزام علم نفس شناسی و نقش نفس در رسیدن به شناخت صحیح در درس معماری؛
- پرداختن به مقوله حیا و درون گرایی اختصاصاً در حوزه معماری.



شکل 5: جایگاه حسن در رابطه نظام محور چهار مقوله معمار، فطرت، اثر و مخاطب (نگارنده)



منابع

- قرآن کریم.
- آزاد، میترا (1384). «آئین جوانمردان و آموزش سنتی معماران در ایران». اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم (1414 ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- اسلامی، سید غلامرضا و ماندگاری، کاظم (1384). آموزش معماری و تربیت معماران در مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
- اشرافی، نسیم (1395). مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی با تکیه بر تگوش سیستمی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- افندی، جعفر (1395). رساله معماریه. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: فرهنگستان هنر.
- امام خمینی، روح‌الله (1391). تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امام خمینی، روح‌الله (1393). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- بنا، حبیب‌الله (1395). رساله فلککاری (فتوت‌نامه بنایان). تهران: فرهنگستان هنر.
- پیشون، جون و ژوئل دوروستی (1370). روش تفکر سیستمی. ترجمه امیرحسین جهاننگلو. تهران: پیشبرد.
- پاتریشتا، ولف (1382). مغز و فرایند یادگیری. ترجمه داوود ابوالقاسمی. تهران: مدرسه.
- تلخابی، محمود (1387). «برنامه درسی مبنی بر مغز». نوآوری‌های آموزشی، دوره 26: 150-127.
- خانمحمدی، علی اکبر (1370). «فتوت‌نامه معماران و بنایان». صغه، ش 2: 8-20.
- سامه، رضا و علی صداقت (1392). «مرتب‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ش 1: 74-39.
- طباطبایی، سید محمدحسین (1388). بررسی‌های اسلامی. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: بوستان.
- فرشاد، مهدی (1362). تگوش سیستمی. تهران: امیرکبیر.
- فیزابی، بهمن (1387). «آموزش در هنرهای سنتی ایران: بررسی ستهای آموزشی هنروری در فتوت‌نامه‌ها». آیینه خیال، ش 128: 131-128.
- قدوسی‌فر، سید هادی؛ ایرج اعتصام و هاجر پناهی برجای (1391). «آموزش سنتی معماری در ایران و ارزیابی آن از دیدگاه یادگیری مبتنی بر مغز». مطالعات معماری ایران، ش 1: 58-39.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (1384). «نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه». هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
- کاشفی، حسین (1395). فتوت‌نامه سلطانی. تهران: حوا.

- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (1394). اصول کافی. تهران: ولی عصر.
- مطهری، مرتضی (1394). فطرت. تهران: صدرا.
- **The Holy Quran.**
- Piaget, J. (2016). **Structuralism.** London: Routledge and Kegan Paul.
- Bertalanffy, Ludwig Von. (2015). **General System Theory: Foundations, Development, Applications.** New York: George Braziller Inc.
- Ashrafi, Nasim (2016). **Theoretical Foundations of Islamic Architecture and Urban Planning Based on Systematic Attitude.** Tehran: Academic Jihad Publications.
- Azad, Mitra (2005). "**Traditional Architecture and Training of Architects in Iran**". *In the first articles on Spirituality and Art Education.* Tehran: Academy of Art.
- Bana, Habibollah (2016). **Flowering Treatise** (Treatise of Builders). Tehran: Academy of Art.
- Bishon, Jun & Joel Doroseni (1991). **Systematic Thinking Method.** Translated by Amir Hossein Jahanbegloo. Tehran Pishbord Publications.
- Effendi, Ja'far (2016). **Architecture Treatise.** Translated by Mehrdad Qayyumi Bidhendi. Tehran: Academy of Art.
- Eslami, seyed gholamreza and mandeghari, kazem (2005). "**Architecture education and Training of Architects**". *In the first articles on Spirituality and Art Education.* Tehran: Academy of Art.
- Farshad, Mehdi (1983). **System Approach.** Tehran: Amir Kabir.
- Fizabi, Bahman. (2008). "**Education in Iranian Traditional Arts: A Study of Artistic Traditions in Treatise**". *Aeineye Khial*, 128: 128-131.
- Gaioumi Bindhendi, Mehrdad (2005). "**The Pre-Modern System of Architectural Education Based on the Treatise on Architecture**". *The Contemplation of Spirituality, and the Teaching of Art.* Tehran: Academy of Art.
- Ghodousifar, Seyed Hadi; Iraj Etesam & Hajar Panahi Barjay (2012). "**Traditional Architecture Education in Iran and its Evaluation from the Perspective of Brain Based Learning**". *Iranian Journal of Architectural Studies*, 1: 39-58.
- Ibn Manzur, Muhammad Ibn Mukram (1414 AH). **Arabic language.** Beirut: Dar sader.
- Kashefi, Hussein. (2016). **Treatise of the Sultanate.** Tehran: Publisher Eve.
- Khan Mohammadi, Ali Akbar (1991). "**Treatise of Architects and Builders**". *Soffeh Journal*, 2(5): 8-20.
- Khomeini, Ruhollah (2014). **Description of the Hadith of the Periods of Reason and Ignorance.** Tehran: Institute of Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah. (2012). **Imam Khomeini's Viewpoint: Self-Cleansing and Traveling.** Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute.
- Kleini Razi, Mohammed Ibn Ya'qub (2015). **Usul al-Kafi.** Tehran: Valiasr.

- Motahari, Morteza (2015). **Fitrat**. Tehran: Sadra Publications.
- Patricia, Wolf (2003). **Brain and Learning Process**. Translated by Davood Abolghasemi. Tehran: School Publications.
- Same, Reza & Ali Sedaghat (2013). "**Architecture Ranking Proportional to Human Existential Structure Based on Quranic Teachings and Islamic Wisdom**". *Two Quarterly Journal of Interdisciplinary Research Quran*, 1: 39-74.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein (2009). **Islamic Studies**. By the Efforts of Seyed Hadi Khosroshahi. Qom: Boostan.
- Talkhabi, Mahmoud (2008). "**Brain-Based Curriculum**". *Journal of Educational Innovation*, 26: 127-150.

